

## نقد و بررسی کتاب آسیب‌شناسی نظریه بهره و نظام بانک‌داری متعارف

سید نظام‌الدین مکیان\*

سجاد قدیرزاده\*\*

### چکیده

پویایی هر علمی در گرو نقد منصفانه و دل‌سوزانه آن است. بی‌شک نگارش هر اثر جدیدی در کنار نقاط قوت خود، کاستی‌هایی را به‌همراه خواهد داشت. هدف از نقد این اثر ارتقای کیفیت آن در چاپ‌های بعدی یا انتشار آثار مشابه است. در این مقاله به بررسی این اثر در دو حوزه نقد ظاهری - نگارشی و نقد محتوایی پرداخته می‌شود. با وجود این‌که در زمینه آسیب‌شناسی نرخ بهره منابع زیادی در دسترس نیست، ولی این اثر به دلیل ورود به این مبحث پرچالش بسیار حائز اهمیت است. اما، کتاب نیازمند بازنگری جدی در حوزه نگارشی و محتوایی است. در زمینه نگارشی اثر با استفاده از زبان علمی و بیان دقیق مطالب و دقت در استفاده از اصطلاحات تخصصی می‌تواند بهبود یابد. هم‌چنین در حوزه محتوایی، استفاده از استدلال‌های علمی و دقیق و بعضاً عدم برداشت سطحی در تحلیل‌ها و هم‌چنین عدم پذیرش ادعاهای مخالفان نرخ بهره بدون نقد و بررسی آن‌ها کاستی دارد که با اصلاح آن‌ها می‌تواند به غنای هرچه بیشتر کتاب بیفزاید.

**کلیدواژه‌ها:** ترجیح زمانی، بانک‌داری مبنی بر اصل ذخیره جزئی، تنزیل، نرخ بهره اسمی، نرخ بهره واقعی.

طبقه‌بندی JEL: E45, E51.

\* دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)، nmakiyan@yazd.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه یزد، sajjad\_ghadirzadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

## ۱. مقدمه

رشد علم و دانش در گرو تضارب افکار و اندیشه‌هاست. نگاهی به سیر تکاملی علم گواهی بر این مدعاست، به طوری که هریک از شاخه‌های علم که نظریه‌پردازان به نقد و اصلاح اندیشه‌های خود پرداختند از رشد و پویایی بیش‌تری برخوردار بوده است. بر همین اساس، نقد این کتاب نباید به منزله نادیده گرفتن زحمات نویسندگان آن یا رد مطلق نظریات آن‌ها دانست، بلکه کوششی است برای ارتقا و کمال یک اندیشه. مقاله حاضر را نیز باید بدین دید نگریست.

بدون شک، هر کتابی در زمینه بیان مفاهیم و نکات جدید معایب و کاستی‌هایی دارد. در این حوزه، نقد و بررسی کتاب‌ها به‌طور کلی بر دو نوع تحلیل استوار است، به طوری که آن‌ها را می‌توان به دو دسته «بررسی شکلی» و «بررسی محتوایی» از هم تفکیک کرد. بررسی شکلی حروف‌نگاری، صحنه‌آرایی، و ظاهر نگارشی را در بر می‌گیرد. اما تحلیل محتوایی ابزاری است برای بررسی و ارزیابی کلمات، معادل‌سازی‌ها، اصطلاحات تخصصی، مفاهیم و واژگان، مضامین، عبارت، و جملات خاص از درون یک متن، که این می‌تواند با نوآوری به درک بهتر و عمیق‌تر مطالب بیفزاید. مقاله حاضر ارزیابی کتاب *آسیب‌شناسی نظریه بهره و نظام بانک‌داری متعارف* از رسول بخشی دستجردی و رحیم دلالی اصفهانی است که در سال ۱۳۹۱ در ۳۶۰ صفحه به تعداد ۱۰۰۰ شماره در نوبت چاپ اول روانه بازار گردیده است. این مقاله براساس روش توصیفی - استدلالی به نقد و بررسی این اثر می‌پردازد.

## ۲. معرفی کتاب

کتاب چنان‌که از نام آن پیداست، به بررسی نظریات نرخ بهره در بین اقتصاددانان و نظریه‌پردازان در این حوزه می‌پردازد و تحلیلی بر نظام بانک‌داری فعلی انجام می‌دهد. این کتاب، که به نظر می‌رسد برگرفته از رساله دکتری است، از دو بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول با عنوان «بهره» در هفت فصل و بخش دوم تحت عنوان «بانک» در سه فصل تدوین گردیده است. در فصل اول، به کلیات موضوع پرداخته می‌شود. در فصل دوم با عنوان «دفاع از نرخ بهره» به بررسی دیدگاه‌های حامیان نظریه نرخ بهره می‌پردازد و در قالب ریشه‌های ذهنی و عینی نرخ بهره بحث خود را دنبال می‌کند. در فصل سوم تحت عنوان «حمله به نرخ بهره» به بررسی نظریات منتقدان آن می‌پردازد و در استدلال‌های خود از نظریات پیگو (Pigou)، رمزی (Ramsey)، هارود (Harrod)، و کینز (Keynes) نیز استفاده

می‌کند. در فصل چهارم با عنوان «نقد ریشه‌های بهره» به نقد و بررسی ریشه‌های نرخ بهره پرداخته و در فصل پنجم و ششم به ترتیب تحت عناوین «نظریه نرخ بهره صفر در نظام سرمایه‌داری» و «تحلیل نظریه نرخ بهره صفر و نسبت آن با تحریم ربا» می‌پردازد و از نظریات موریس (Moris)، فریدمن (Friedman)، و دیگران سود می‌برد. در فصل هفتم تحت عنوان «مباحث تکمیلی در نظریه بهره» به جمع‌بندی موضوع می‌پردازد.

در بخش دوم کتاب در حوزه بانک‌داری بحث را ادامه می‌دهد و در فصل هشتم با عنوان «خلق پول، بی‌اعتباری اصل ذخیره جزئی» به نقد اصل ذخیره جزئی می‌پردازد. فصل نهم به «تأثیر عملیات بانکی بر درآمد ملی» و بررسی ضریب فزاینده پویا و شرط تعادل در اقتصاد کلان اختصاص دارد. فصل دهم نیز با عنوان «مباحث تکمیلی» به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات می‌پردازد. در انتهای کتاب تحت عنوان «سخن آخر» ضرورت اصلاح نظام پولی حاضر به صورت نتیجه‌گیری مطرح می‌کند.

### ۳. فرضیه کتاب

در نگارش این کتاب نویسندگان از خطوط فکری و عقیدتی خود برای پیش‌برد بحث و جهت‌گیری مطالب استفاده کرده‌اند و کتاب را نیز بر همین اساس سازمان‌دهی کرده‌اند. در صفحه ۱۴ بیان می‌کنند: «فرضیه اصلی در این مطالب بر ضعف مبانی استدلال در تحلیل‌های موجود در خصوص تعیین بازاری نرخ بهره و جبران کاهش ارزش پول و تمایز بهره از ربا و نقش مؤثر نظام بانکی در تخصیص کارآیی منابع تأکید دارد». نویسندگان هدف نهایی خود را نیز در پیش‌گفتار چنین بیان می‌کنند:

هدف نهایی در این کتاب آن است که نشان داده شود، نظام پولی رایج در اقتصادهای معاصر جهان و مناسبات حاکم بر پول به‌گونه‌ای ناصواب سازمان یافته است که این سازمان‌دهی تأمین‌کننده منابع استعماری گروه‌های خاص (بانک‌داران) است. برای استقرار یک نظام اقتصادی عادلانه و اخلاقی ضرورت دارد مناسبات پولی فعلی به‌گونه‌ای اساسی و بنیادی اصلاح و دگرگون شود.

### ۴. ارزیابی کتاب

ارزیابی کتاب در سه بخش صورت می‌گیرد. در بخش اول به بررسی نقاط قوت کتاب پرداخته می‌شود. در بخش دوم ارزیابی و نقد کتاب از لحاظ ظاهری صورت گرفته و بخش سوم به ارزیابی و نقد کتاب از لحاظ محتوایی اختصاص دارد.

#### ۱.۴ نقاط قوت کتاب

موضوع بحث کتاب از مسائل مهم و چالش‌برانگیز در حوزه اقتصاد کلان است که حامیان و منتقدان صاحب‌نظر با استدلال‌های قوی را دارد. از این رو، پرداختن به این موضوع به‌عنوان یک چالش، اقدام بسیار ارزنده‌ای است. از نقاط قوت این کتاب نیز می‌توان از سعی نویسندگان در پرداختن به شیوه‌ها و ماهیت نرخ بهره و گردآوری نظرات موافقان و مخالفان از اقتصاددانان مشهور جهان نام برد. همچنین بررسی تئوری‌های نرخ بهره در کنار بررسی نظام بانکی نیز می‌تواند بسیار مفید و ارزش‌مند باشد. نگاه اقتصادی و جسارت در نقد بزرگان و نظریه‌پردازان مشهور اقتصاد جهان نیز از دیگر نقاط قوت این کتاب است.

#### ۲.۴ ارزیابی و نقد کتاب از لحاظ ظاهری

در این بخش به بررسی و نقد کتاب از لحاظ ظاهری در دو جنبه نقد طرح روی جلد کتاب و نقد نگارشی - ویرایشی می‌پردازیم.

##### ۱.۲.۴ نقد طرح روی جلد کتاب

طرح روی جلد کتاب، البته اگر قائل به وجود طرحی روی جلد کتاب باشیم، در ساده‌ترین حالت ممکن طراحی گردیده است و فاقد غنای تصویری و حاوی ضعف در ترکیب‌بندی روی جلد است. با توجه به ماهیت و عنوان چالش‌برانگیز و جذاب کتاب، طرح روی جلد می‌توانست مناسب‌تر، جذاب‌تر، و به‌صورت مصور طراحی گردد.

##### ۲.۲.۴ نقد نگارشی و ویرایشی

کتاب از لحاظ زبان نوشتاری و قواعد ویرایش خالی از اشکال نیست که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

##### ۱.۲.۲.۴ زبان داستان‌گونه و غیرعلمی در بیان برخی موارد

اثر با زبان روان و ساده به‌رشته تحریر درآمده است که خود می‌تواند یک مزیت باشد. اما، این زبان ساده و روان نباید به‌گونه‌ای باشد که ماهیت علمی بودن کتاب را زیر سؤال ببرد و این نقطه قوت را به ضعف تبدیل کند. در برخی از نوشتارهای کتاب، نویسندگان از زبان داستان‌گونه و غیرعلمی برای بیان نظرات خود استفاده کرده‌اند که از غنای علمی

مطالب می‌کاهد که به برخی از این موارد می‌پردازیم: در صفحه ۱۲ سطر ۳ داریم: «این طرف عرضه است که قادر به پاسخ‌گویی نیست. دلیل این مسئله هم روشن است. هم اکنون عرضه واقعی پایین‌تر از عرضه اشتغال کامل است». در صفحه ۱۲ سطر ۱۳ داریم: «نظام بانکی که وعده پرداخت نرخ‌های بهره بالا را به سپرده‌گذاران داده است باید زیرکانه عمل کند که مبادا به پروژه‌هایی وام دهند که پایین‌تر از نرخ بهره سپرده‌ها برای بانک عایدی داشته باشد» که البته می‌توانست بسیار علمی‌تر این موضوع را توصیف کند. در صفحه ۲۴ سطر ۱۲ داریم:

لازم بود بگویند، بنویسند، استدلال کنند و به مردم بفهمانند که وجود سود برای آن نوع پول و سرمایه که در تجارت و تولید و ارائه خدمات به مردم هزینه می‌شود عقلاً معتبر است و نباید آن را مردود شمرد. اتفاقاً این اقدامات نتیجه داد.

غالباً در کتب علمی از چنین ادبیاتی استفاده نمی‌شود. در مورد مشابه در صفحه ۲۵ سطر ۵ مشاهده می‌کنیم که «این بود که توجه‌ها دسته‌دسته در کنار هم قرار گرفتند و آهسته‌آهسته بهره را جای‌گزین ربا کردند». در صفحه ۲۸ سطر ۱۱ مشاهده می‌کنیم که «بنابراین ما نباید و نمی‌توانیم بر سر سلاخی خود جدال کنیم، اگر رجحان زمانی نباشد عمل مصرف را نمی‌توان توضیح داد». که بهتر بود هم از زبان علمی‌تر در بیان استفاده می‌کرد و هم چنین بهتر بود به جای کلمه «مصرف» از «مصرف‌کننده» استفاده می‌شد. در صفحه ۳۶ سطر اول داریم: «بنابراین در بازار وام که در اقتصاد مذکور ایجاد شده است نرخ بهره برقرار خواهد شد که درست با نرخ رشد پول برابر خواهد بود». هم‌چنین، در مواردی از اصطلاحات عامیانه و محاوره‌ای در بیان خود استفاده کرده‌اند: در صفحه ۱۰۹ سطر ۷ داریم: «می‌توانید آن را برای انجام بهتر یکی از تصمیم‌های باقی‌مانده و یا چندتای آن‌ها اختصاص دهید و ...» که بهتر بود به جای «چندتای آن‌ها»، «از تعدادی از آن‌ها» استفاده می‌شد. در صفحه ۱۱۰ سطر آخر داریم: «بنابراین عده‌ای که دارای منابع مالی کافی‌اند و توان وام‌دادن دارند، مطالبه بهره خواهند کرد». در پانوش ۱۱۳ داریم: «اما اگر سرمایه‌گذاری به بازدهی نرسد چه؟ ...» که بهتر بود از عبارت «در صورتی که سرمایه‌گذاری منجر به بازدهی مطلوب نگردد آن‌گاه چه اقداماتی باید انجام داد؟» استفاده گردد. در صفحه ۱۱۴ سطر ۱۰ داریم: «بازار هیچ تعهدی در مورد احترام گذاشتن به پیرها ندارد» که مناسب بود از اصطلاح «افراد مسن» یا «افراد بازنشسته» به جای «پیرها» استفاده گردد. البته در چندین مورد دیگر از این اصطلاح «پیرها» در متن استفاده گردیده است که به یک مورد آن اشاره گردید. در صفحه ۱۲۶ سطر

۳ داریم: «نرخ ترجیح زمانی به دلیل ارزش بالاتری است که فرد به‌طور طبیعی به حال درمقابل آینده می‌دهد». که بهتر بود از عبارت «برای زمان حال درمقابل زمان آینده قائل است» استفاده می‌گردید. در صفحه ۱۳۲ سطر اول استفاده از کلمه «آرزو» به جای کلمه «تقاضا» در متن مشاهده می‌شود که مناسب نیست. «یعنی افراد پول بیش تری را از آنچه که وجود دارد آرزو می‌کند، این بدان معنا است که پول، کم‌تر از حد بهینه‌اش می‌باشد». در صفحه ۱۳۳ سطر ۱۲ از عبارت «حول و حوش» استفاده می‌گردد: «یعنی افزایش قیمت بازاری اوراق قرضه در مثال مذکور حول و حوش نرخ تورم در اقتصاد است که تقریباً دو درصد است». هم‌چنین، از نظر جمله‌بندی نیز می‌توانست بهتر عمل کند. در صفحه ۱۷۸ سطر ۴ داریم: «در این فصل که به‌نوعی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از فصل‌های قبلی کتاب نیز هست، قصد داریم به این نکات پردازیم». در صفحه ۱۸۰ سطر ۶ به‌صورت روایت داستانی بیان می‌کند که «... هنگام سررسید پرداخت وجه، وجه بیش تری را پردازد تا افراد، کم‌تر سراغ این روش بروند، همین». در صفحه ۲۸۰ سطر ۷ داریم: «این چه منطقی است که حاکم شده است؟» که با زبان علمی می‌توانست بهتر بیان گردد. در صفحه ۲۸۴ سطر ۷ بیان می‌کند که «... و از دست‌رنج مردم، چه مصرف‌کننده، چه تاجر و صاحب صنعت، هم‌چون زانو سهمی در اختیار گیرند». مواردی از این دست که کتاب از زبان غیرعلمی برای بیان مفاهیم خود استفاده می‌کند که به برخی از آن‌ها اشاره شد.

#### ۲.۲.۲.۴ استفاده از عبارات و کلمات نادرست در متن

در برخی از جملات کتاب از کلمات نادرست نیز استفاده گردیده است، که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. در صفحه ۶ سطر ۱۰ داریم: «ولی تورم رکود چهره پایداری از خود نشان داده است» که باید از عبارت «رکود تورمی» استفاده گردد. در صفحه ۹ سطر ۳ داریم: «ولی ترغیب مردم به جداشدن از نقدینگی‌شان از طریق دست‌کاری نرخ بهره کار ساده‌ای نیست». که بهتر بود از عبارت «تغییر» به جای «دست‌کاری» استفاده گردد. در صفحه ۲۷ سطر ۲ داریم: «به تبعیت از بوم باورک (Bohm Bawerk)، کسان دیگری نیز در این حوضه مطالعه نموده‌اند» که باید از «افراد دیگری» به جای «کسان دیگری» استفاده گردد. در صفحه ۴۰ سطر ۱۴ مناسب بود که به جای «نفر» از کلمه «فرد» در عبارت‌های «مصرف هر نفر جوان» یا «مصرف هر نفر میان‌سال» به کار برده شود. در صفحه ۷۳ سطر ۱۳ داریم: «بالین حال از کینز می‌توان درخصوص زمین و امکان ایجاد رکود مواردی را استنباط نمود» که کلمه «زمین» در این جمله اضافه است. در صفحات ۱۳۰ سطر ۱۰ و ۱۳۴ سطر ۱۲ باید

به جای کلمه «نقدینه» از کلمه «نقدینگی» استفاده گردد. در صفحه ۲۷۸ سطر آخر کلمه «گذشته» در عبارت «در طول تاریخ گذشته» نیز اضافه است. در صفحه ۲۷۹ سطر ۱۰ و سطر ۱۲ به ترتیب داریم: «امروزه تحت تأثیر نظام سرمایه‌داری یا نظام پول‌داری ما معکوس حرکت می‌کنیم» و «آنچه توسط بانک‌داران و نژادپرستان تسری یافته ...» که استفاده از کلمه «پول‌داری» و «نژادپرستان» دارای بار معنایی خاص خود هستند و استفاده از آن‌ها بدون تعریف دقیق توسط مؤلفان صحیح نیست. در همان صفحه در سطر ۱۵ بهتر بود از عبارت «به طور مثال» به جای «فی‌المثل» استفاده گردد. در صفحه ۲۸۰ سطر ۴ باید از عبارت «ابزارها» به جای «ابزار» استفاده گردد. در صفحه ۲۸۴ از اصطلاحات نامناسب و غیرعلمی استفاده شده است مثلاً در سطر ۳ «مودیان»، سطر ۶ «رذیلانه»، سطر آخر «زالو» و در صفحه ۲۷۷ سطر ۴ عبارت «نکبت‌بار» را استفاده می‌کند که در شأن یک متن علمی نیست.

#### ۳.۲.۲.۴ اشکال در فرمول‌نویسی

در صفحه ۳۰ فرمول (۲-۲) « $\rho$ » از فرمول حذف شده است و باید به شکل صحیح  $dv = U'(C_1)dC_1 + \rho U'(C_2)dC_2$  اصلاح گردد. در صفحه ۱۲۸ شرط  $MPM + MNPS = 0$  باید به صورت  $MPM = MNPS = 0$  اصلاح گردد. در انتهای صفحه ۳۵ حل معادله، برای به دست آوردن نتیجه ( $r = g$ ) باید به صورت زیر اصلاح گردد.

$$\frac{1}{R(1+g)} = 1, \frac{1}{(1+r)} = R \Rightarrow (r = g)$$

#### ۴.۲.۲.۴ عدم رعایت اصول شماره‌گذاری به صورت زیربخشی

تیتراهای هر فصل از اصول شماره‌گذاری به صورت زیربخشی استفاده نشده است و تنها به صورت ۱، ۲، ۳، و ... شماره‌گذاری شده‌اند که از اصول طراحی صحیح کتب علمی خارج است و بهتر است در ویرایش‌های بعدی، مطالب به صورت صحیح و اصولی شماره‌گذاری شوند.

#### ۵.۲.۲.۴ عدم رعایت علائم نگارشی

علائم نگارشی به صورت دقیق و صحیح در برخی از قسمت‌های کتاب رعایت نشده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. صفحه ۲۱ سطر ۳ «به نظر می‌رسد که دلیل این مسئله این بوده است که وام‌دهندگان از اعداد رومی استفاده می‌کرده‌اند. اعداد رومی ناقص بوده‌اند».

به جای نقطه باید از «،» استفاده می‌شد. در صفحه ۲۴ سطر آخر داریم: «عهددار نقش ربا شد. آن کلمه ایترست (Interest) بود». به جای نقطه وسط عبارت باید از «،» استفاده گردد. صفحه ۳۶ سطر ۸ «نرخ بهره طبیعی از طریق عرضه و تقاضای وجوه وام‌دانی، در بازار وام تعیین می‌شود» در این عبارت نیاز به استفاده از «،» نیست. در صفحه ۲۱۸ سطر ۴، صفحه ۱۸۲ سطر ۹ و صفحه ۲۳۴ سطر ۱۴ باید به جای نقطه از «،» استفاده گردد. در صفحه ۲۸۱ سطر ۱۲ باید با رعایت اصول نگارشی به جای «گفت»، از «گفت:» استفاده گردد و مواردی از این دست که در متن قابل مشاهده هستند.

باتوجه به مطالب بیان‌شده در بخش ارزیابی کتاب، از لحاظ ظاهری و نگارشی این اثر در مقایسه با سایر کتب تدوین‌شده در رشته اقتصاد نیازمند بازنگری جدی است و اهتمام نویسندگان را می‌طلبد که در چاپ‌های بعدی بازبینی دقیق و اصولی برای بهبود کتاب به کار ببندند.

#### ۳.۲.۴ ارزیابی و نقد کتاب از لحاظ محتوایی

این اثر از لحاظ محتوایی هم نقدهایی دارد که عمده‌ترین آن‌ها به‌اجمال بیان می‌گردد.

##### ۱.۳.۲.۴ عدم وجود بحث ماهیت پول و سیر تکامل آن

باتوجه به عنوان کتاب و تجمیع بحث ریشه‌های نرخ بهره و تحلیل نظام بانکی متعارف، برای غنای بهتر مباحث می‌توان در کنار سایر مطالب، به وجود ماهیت پول و سیر تکامل آن نیز پرداخت. زیرا سیر تکاملی آن نقش بسیار زیادی در ماهیت تحلیل‌های اقتصادی در حوزه نرخ بهره خواهد داشت. از این رو، وجود مباحثی در حوزه ماهیت پول می‌توانست غنای بهتر و بیش‌تری به جامعیت کتاب ببخشد.

##### ۲.۳.۲.۴ عدم فصل‌بندی مناسب

جداسازی دو بخش مجزا به نام‌های بهره و بانک تقسیم‌بندی مناسبی است و این تفکیک مباحث به جمع‌بندی و سازمان‌دهی کتاب کمک شایانی کرده است، ولی از لحاظ فصل‌بندی نقدهایی مطرح است. اول این که در انتهای هر بخش کتاب (نه یک فصل) عنوان «مباحث تکمیلی» وجود دارد که جمع‌بندی و ارائه برخی نظرات در آن گنجانده شده است که از نظر اصول علمی رایج نیست. این جمع‌بندی و ارائه برخی مطالب می‌توانست در



فصول هر بخش متناسب با هر قسمت توزیع گردد. این رویه جداکردن برخی از مباحث در انتهای هر بخش در قالب «مباحث تکمیلی» در انتهای کتاب نیز دیده می‌شود. نویسندگان در انتهای کتاب در بخشی با عنوان «سخن آخر» در هشت صفحه ضرورت اصلاح نظام پولی حاضر را به صورت نتیجه‌گیری از مباحث قبلی کتاب مطرح می‌کنند که این رویه در کتب علمی رایج نیست و بهتر بود این مطالب در مباحث مرتبط با بخش بانک‌داری گنجانده شود، به طوری که خواننده بتواند در کنار نقدها و بررسی‌های موجود راه کارهای پیش‌نهادی کتاب را به طور مناسب و منسجم با بقیه مطالب مطالعه کند.

#### ۳.۳.۲.۴ ارائه ادعاها و نظرات بدون ذکر منبع

کتاب در بخش‌هایی به ذکر ادعاها و نظرات صاحب‌نظران اقتصادی می‌پردازد و از وجود تحقیقات نظری و تجربی در مورد ادعاها خود خبر می‌دهد، ولی هیچ نامی از آن اقتصاددانان یا تحقیقات علمی برده نمی‌شود که این روش در تدوین کتب علمی نادرست است. به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم. صفحه ۷ سطر ۷ به این بحث می‌پردازد: «بهره دریافتی شبکه بانکی، در واقع حفظ ارزش قدرت خرید وام‌ها است» و سپس به نقد آن پرداخته و در سطر ۱۰ همان صفحه بیان می‌کند: «این درحالی است که معتبرترین دستاوردهای علمی (و البته تجربی) صدساله اخیر، از تلقی‌های دیگری حکایت می‌کند. وجود چنین تضادی بین مسیر دستاوردهای علمی و برخی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ایران، شگفت‌آور است». کتاب با استناد به معتبرترین دستاوردهای علمی چنین ادعایی را در اقتصاد ایران بیان می‌کند، ولی هیچ مقاله و منبع داخلی یا بین‌المللی برای ادعاها خود بیان نمی‌کند. در صفحه ۸ سطر ۱۰ داریم: «در این دیدگاه که بسیاری موافق آن هستند استدلال می‌شود که علت تورم موجود در کشور، بالاتر بودن تقاضای کل از عرضه واقعی کل می‌باشد» و به ادامه بحث می‌پردازد و بیان نمی‌کند که از آن افراد بسیاری که موافق این ادعا در ایران هستند چه کسانی هستند و آیا نظرات متفاوتی هم وجود دارد یا خیر. در صفحه ۱۲ سطر ۶ بدون ذکر آمار بیان می‌کند: «از این رو برای کاهش تورم باید طرف عرضه را بالا برد که لازمه آن کاهش نرخ بهره بانکی است، زیرا نرخ بهره علامت راه‌نمای سرمایه‌گذاری است». هم‌چنین در صفحه ۱۳ سطر ۶ عنوان می‌کند: «ولی با کاهش نرخ بهره پروژه‌های بیش‌تری اجرا خواهد شد و بنابراین سرمایه‌گذاری و به دنبال آن اشتغال و تولید افزایش خواهد یافت و در نتیجه عرضه کل افزایش یافته و از رشد قیمت‌ها جلوگیری می‌شود» نویسندگان در تحلیل اقتصاد ایران به ادعاها فوق می‌پردازند و دلیل یا

آماری برای آن ارائه نمی‌کنند که آیا در اقتصاد ایران این‌گونه است؟ آیا در سال‌هایی که نرخ بهره پایین آمد، از نرخ رشد قیمت‌ها کاسته شده است؟ در صفحه ۷۵ سطر ۵ بیان می‌کند که «عمل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در واقع یک عمل است و در ذات جدایی بین آن‌ها وجود ندارد». در کتب کلان بحث‌های زیادی در مورد افراد با مازاد و کمبود وجوه مورد بحث قرار گرفته‌اند که خلاف ادعای فوق است. کتاب برای ادعای فوق منبعی معرفی نمی‌کند و با فرض صحت این ادعا به بحث خود ادامه می‌دهند و نتیجه‌گیری می‌کنند که این روش علمی نیست. در صفحه ۲۷۷ سطر ۲ داریم: «نظام پولی مسلط امروز دارای نواقص عمده بوده و در بسیاری از جهات، ضد اخلاقی است»، ولی برای این ادعاها دلیل یا منبعی را ذکر نمی‌گردد. در صفحه ۲۸۲ سطر ۳ بیان می‌کند که «این نگرش که بیماری‌های اقتصاد را منتج از پول و نظام حاکم بر آن می‌داند، یک تلقی اثبات‌شده علمی است». ولی کتاب برای این تلقی اثبات‌شده علمی منبعی معرفی نمی‌کند. این روش تحلیل و نتیجه‌گیری بدون ذکر منابع صحیح از اصول تدوین آثار علمی نیست.

#### ۴.۳.۲.۴ پذیرفتن نظرات افراد مخالف بدون نقد آن‌ها و وجود استدلال‌های ضعیف

در صفحه ۵۲ سطر ۵ به نقد ریشه‌های بهره می‌پردازد و بیان می‌کند: «ترجیح زمانی یک بی‌عقلی محض است. ترکیب نظرات پیگو، رمزی و هارود این‌گونه به ما القا می‌کند که ترجیح زمانی یک بی‌عقلی است که سطح پس‌انداز را کاهش داده و از جنبه اخلاقی مذموم و نکوهیده است» کتاب به غیر از این که منبعی از اظهار نظر این اقتصاددانان در این زمینه بیان نمی‌کند بدون نقد، تنها نظرات مخالفان را در حوزه نرخ بهره می‌پذیرد و برای نتیجه‌گیری فقط از نظرات آن‌ها استفاده می‌کند. هم‌چنین نویسندگان در ابتدا عنوان می‌کنند که کینز برای عدم برابری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، نرخ بهره را عامل کلیدی می‌داند و آن را عامل اصلی ایجاد رکود و کاهش تقاضای مؤثر می‌شناسد. سپس در پایان این بحث بدون ذکر دلیل قانع‌کننده‌ای بابت این که چرا کینز با وجود این که دلیل رکود اصلی را نرخ بهره قلمداد می‌کند، ولی راه‌حلی برای آن ارائه نمی‌دهد و سیاست‌های مقابله با آن را پیش‌نهاد نمی‌کند. در صفحه ۵۷ سطر ۵ بیان می‌کند: «با این حال توصیه کینز کاهش نرخ بهره نیست، بلکه او پیش‌نهاد می‌کند برای خروج از رکود دولت باید دخالت نماید». کتاب دلیل قانع‌کننده‌ای برای این تناقض در نتیجه‌گیری بین نظر نویسندگان و نظر کینز اعلام نمی‌کند. در صفحه ۷۴ سطر آخر به تحلیل نظرات کینز در حوزه جدایی پس‌انداز با سرمایه‌گذاری می‌پردازد و چنین نتیجه می‌گیرد:

بانک از طریق پرداخت بهره به پس‌انداز، تمایل افراد را در به‌کار بستن پس‌اندازهایشان توسط خودشان (انفرادی یا جمعی) کاهش داده است و به‌جای آن‌ها این بانک است که از طریق پرداخت وام، سرمایه‌گذاری می‌کند. نتیجه این وضعیت ایجاد رکود است.

کتاب از بحث کینز چنین برداشتی دارد که این نتیجه‌گیری دچار اشکال است. این‌که بانک با پرداخت بهره جلوی سرمایه‌گذاری افراد پس‌اندازکننده را می‌گیرد ادعای نادرستی است، زیرا افراد پس‌اندازکننده افراد ریسک‌گریزی هستند و سرمایه‌گذاران افرادی ریسک‌پذیر. هم‌چنین بانک با تجمیع سپرده‌ها باعث راه‌اندازی پروژه‌های بزرگ می‌گردد که در صورت عدم تجمیع‌سازی، اجرای چنین پروژه‌هایی عملاً غیرممکن است.

در فصل چهارم در نقد ریشه‌های بهره به انتقاد از دلایل ترجیح زمانی می‌پردازد و تصمیم دارد آن‌ها را به‌چالش بکشد. در صفحه ۹۸ یکی از دلایل ترجیح زمانی را کم‌یابی می‌داند و در بخش نقد کم‌یابی فقط به توضیح کم‌یابی می‌پردازد و هیچ جمله‌ای در نقد آن بیان نمی‌کند. در نقد دلایل ترجیح زمانی در صفحه ۱۰۰ و ۱۰۱ به انتقاد از دورنمای ذهنی از آینده می‌پردازد، ولی نه تنها از آن انتقاد نمی‌کند، بلکه آن را تأیید هم می‌کند به طوری که در صفحه ۱۰۱ سطر ۹ بیان می‌کند: «افراد در مورد فرصت‌هایی که به‌خاطر کم‌یابی و محدودیت‌های طبیعی نمی‌توانند استفاده کنند ترجیح زمانی بالایی را از خود نشان می‌دهند. این مسئله اختیاری نیست. بلکه کاملاً اجباری است» و سپس در صفحه ۱۰۳ سطر اول در جمع‌بندی مباحث عنوان می‌کند: «تا این‌جا می‌توان اظهار کرد که دلایل سه‌گانه بوم باورک در خصوص ترجیح حال به آینده مشمول انتقاد هستند». در صفحه ۱۷۷ سطر ۷ داریم:

در فصل چهارم به نقد ریشه‌های نرخ بهره پرداخته شد و این ایده دنبال شد که اساساً هیچ‌یک از ریشه‌های واقعی بهره، آن‌گونه‌که بنیان‌گذاران و مدافعان آن ذکر می‌کنند به‌اندازه کافی دارای اعتبار نیستند و بنابراین به‌نظر می‌رسد بهره دارای هیچ ریشه واقعی و طبیعی نیست.

در حالی که عملاً نه تنها انتقادی صورت نگرفته، بلکه آن‌ها را تأیید کرده و اجباری هم می‌داند (صفحه ۱۰۱). هم‌چنان‌که بیان شد، چنین نتیجه‌گیری‌های متناقضی در کتاب مشاهده می‌گردد که نیازمند بازنگری به‌منظور بهبود آن است. در بحث دیگری در فصل نقد ریشه‌های بهره با عنوان «پیش‌نهادیه‌ایی برای توضیح عدم و جاهت علمی بهره» به بررسی یکی از استدلال‌های نرخ بهره می‌پردازد. در صفحه ۱۰۷ سطر ۹ بیان می‌کند:

اما یک استدلال قوی به نفع بهره مثبت وجود دارد که اگر وام گیرنده توانست یک بازده مثبتی را به خاطر استفاده از وام که اخذ کرده است به دست آورد باید یک بهره مثبتی را متناسب با بازدهی فعالیتش به وام‌دهنده بپردازد.

سپس به نقد این ادعا می‌پردازد و دلایل و استدلال‌هایی را در رد آن بیان می‌کند که نیازی به پرداخت اضافه در وام نیست. زیرا مطلوبیت وام‌دهنده با پرداخت وام کم نشده و افراد می‌توانند به فعالیت‌های دیگر زندگی خود مانند دیدار با دوستان، صرف غذا، سرگرمی و ... بپردازند و از زندگی لذت ببرند و از این طریق مطلوبیت خود را نیز افزایش دهند. اما اگر آن پول در اختیار خودشان بود و به وام‌گیرنده نمی‌پرداختند، شاید مجبور بودند به سرمایه‌گذاری با آن بپردازند و از بقیه کارهای زندگی خود غافل می‌شدند، بنابراین، مطلوبیت آن‌ها کم نشده است. این نوع تحلیل در پرداخت مازاد به وام‌دهنده بسیار غیرعلمی، عجیب، و نادرست است که به برخی از این استدلال‌ها در کتاب می‌پردازیم: صفحه ۱۰۸ سطر اول داریم:

اگر مبلغی به وام‌دهنده بدهید بخشی از وقت شما خودبه‌خود آزاد خواهد شد و شما می‌توانید آن وقت آزاد شده را به پی‌گیری تصمیمات دیگران اختصاص دهید. و با این کار بازدهی شما روی بقیه تصمیم‌هایتان افزایش خواهد یافت و خودبه‌خود بازدهی از دست‌رفته روی پولی که وام داده بودید جبران خواهد شد. از نظر منطق شما اجازه ندارید روی وامی که داده‌اید بهره مطالبه کنید. هر فردی یک فرصتی برای زندگی در اختیار دارد فرض کنید تمام فرصتی که هم اکنون در اختیارتان گذاشته شده است را برای انجام چند فعالیت اختصاص دهید این فعالیت‌ها عبارت‌اند از کسب درآمد، خوابیدن، ورزش، مطالعه، سرگرمی، دیدار با دوستان، صرف غذا و امور دیگر. اگر تصمیم بگیرید مبلغی را وام بدهید بخشی از زمانی که برای نحوه استفاده از مبلغ مذکور اختصاص داده بودید آزاد خواهد شد. در این حالت فرصت شما تغییر نخواهد کرد فقط نحوه تخصیص آن تغییر کرده است.

به‌وضوح مشخص است که دلیل و تحلیل مذکور مناسب یک کتاب علمی با ناشر دانشگاهی نیست. در صفحه ۲۸۳ سطر ۷ از گالبرایت (Galbraith) نقل قول می‌کند که «پول ریشه همه اعمال شیطانی است». و بدون دلیل یا نقد آن، این اظهارنظر را می‌پذیرد. باتوجه به مطالب فوق و نقدهای مطرح‌شده، کتاب در حوزه محتوایی هم نیازمند بازنگری و بررسی مجدد است.

باتوجه به مطالب مذکور و نقدهای مطرح‌شده، کتاب در حوزه محتوایی نیازمند بازنگری جدی است و اهتمام نویسندگان این اثر را می‌طلبد که در چاپ‌های بعدی یک بازبینی دقیق و اصولی برای بهبود محتوای کتاب به‌کار ببندند.

## ۵. نتیجه‌گیری

کتاب در حوزه ظاهری و محتوایی به‌روشنی توصیفی - استدلالی موردنقد و بررسی قرار گرفت. علی‌رغم زحماتی که مؤلفان محترم در پدیدآوردن آن متحمل شده‌اند، این اثر نیازمند بازنگری جدی در حوزه نگارشی و محتوایی است. در حوزه نگارشی استفاده از زبان علمی و بیان دقیق مطالب و دقت در استفاده از اصطلاحات می‌تواند به بهبود اثر کمک شایانی کند. هم‌چنین در حوزه محتوایی، استفاده از استدلال‌های علمی و دقیق‌تر و عدم برداشت سطحی در تحلیل‌ها و هم‌چنین عدم پذیرش ادعاهای مخالفان نرخ بهره بدون نقد و بررسی آن‌ها می‌تواند به غنای هرچه بیشتر کتاب بیفزاید. این اثر در صورت رفع نقدهای مطرح‌شده در چاپ‌های بعدی می‌تواند به‌عنوان یک کتاب کمک آموزشی در کنار کتب اصلی اقتصاد در تحلیل نرخ بهره مورد استفاده در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد قرار گیرد.

## کتاب‌نامه

- بخشی دستجردی، رسول (۱۳۸۳)، *بررسی آثار و ریشه‌های ایجاد بهره با تأکید بر نظریه حیاتی ساموئلسون در چهارچوب الگوی نسل‌های تداختی*، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.
- بخشی دستجردی، رسول (۱۳۹۰)، *آسیب‌شناسی نظریه بهره و نظام بانک‌داری متعارف*، یزد: دانشگاه یزد.
- برانسون، ویلیام (۱۳۷۶)، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۵)، *اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، تهران: نشر نی.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۶)، *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*، تهران: دانشگاه مفید.
- دستور خط فارسی: مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی (۱۳۸۲)، تهران: آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دلاور، علی (۱۳۸۴)، *مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: رشد.
- شیوه‌نامه نقد و تحلیل آثار و کتب در طراز جهانی (۱۳۹۰)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۶)، «تفاوت ربا و بهره بانکی»، *مجله نقد و نظر*، ش ۱۲.

۲۱۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره نهم، آذر ۱۳۹۸

مکیان، سیدنظام‌الدین و دیگران (۱۳۹۲)، «ارزیابی کتب پول و بانکداری در ایران»، فصل‌نامه علمی – پژوهشی پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۱۳.

منکیو، گریگوری (۱۳۸۳)، *اقتصاد کلان*، ترجمه حمیدرضا برادران شرکا و علی پارسائیان، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

واعظ برزانی، محمد (۱۳۸۷)، «نقد و بررسی کتاب سیر تحول در تجزیه و تحلیل‌های اقتصاد کلان»، فصل‌نامه فرهنگ، ش ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.